

بیاض‌های آزاد بلگرامی

جهانگیر اقبال تانتری*

میر غلام علی آزاد بلگرامی^۱ شاعر ممتاز و تذکره‌نویس قرن دوازدهم هجری است. با خدمات گران‌بهایی که در عرصه ادبیات عربی و فارسی انجام داده‌اند، نام و مقام خویش را در تاریخ ادبیات عربی و فارسی هندوستان ثبت کرده‌اند. وی یک عالم برجسته نیز بوده آثاری که از خود به‌جا گذاشته در نوع خود منحصر به‌فرد می‌باشد. به‌طوری‌که این آثار کمک قابل ملاحظه‌ای به تحقیقات محققین کرده است. مانند مآثرالکرام، تاریخ بلگرام، روضه‌الاولیا و شجره طیبه که اثرات آنها یک منبع معتبر آگاهی از زندگی و کارنامه‌های اولیا و مشایخ می‌باشد. کتاب مؤخرالذکر کتابی است که تا هنوز طبع نگردیده، مشتمل بر ذکر خانواده‌های بلگرام است که در آن تاریخ تولد و وفات افراد خانواده بلگرام ذکر گردیده است. در برخی از تذکره‌هایش مانند ید بیضا، سرو آزاد و خزانه عامره و غیره نیز ذکر شاعران شده است. همچنین به‌سبب خصوصیتی که دارد مرکز توجه محققین بوده و هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این آزاد، اشعار فارسی و عربی نیز به‌کثرت سروده است. تألیفات و تصنیفات زیادی دارد که به‌آنها نظری می‌اندازم و در این مقاله چند بیاض آن‌ها را ذکر می‌نمایم که هنوز نیاز به مطالعه دقیق و تفصیلی دارد.

* پژوهنده آرشیو‌شناسی و بخش موزه، جامو (جامو و کشمیر).

۱. به‌روز یکشنبه ۲۵ صفرالمظفر ۱۱۱۶ هـ/ ۹ ژوئن ۱۷۰۴ م در محله میدان‌پوره بلگرام (اتراپرادش) متولد شد و ۲۴ ذی‌قعدة ۱۲۰۰ هـ/ ۱۸ سپتامبر ۱۷۸۶ م وفات یافت.

ما می‌دانیم که آزاد بلگرامی مقام یک تذکره‌نویس را دارد و برای یک تذکره‌نویس، بیاض، اهمیت فراوان دارد. معنای لغوی بیاض، سفیدی، کتابچه یادداشت و آن کتابچه‌ای است که در آن شعر نوشته می‌شود.^۱ یک تذکره‌نویس در بیاض‌ها علاوه بر شعر، درباره شعرها مطالب دیگر نیز می‌نویسد و زمان نگارش کتاب از آن یادداشت‌ها استفاده می‌نماید. علاوه بر آزاد بلگرامی، تذکره‌نویس‌ها و شخصیات مهم نیز هستند که از بیاض آن‌ها، اطلاعات زیادی به دست ما رسیده است.

درباره چهار بیاض آزاد بلگرامی، مطالبی در فهرست‌های مختلف دیده می‌شود:

۱- یک بیاض آزاد بلگرامی در موزه سالار جنگ

مهم‌ترین بیاض میر غلام علی آزاد بلگرامی در کتابخانه ملی پتنا موجود است. نام تاریخی آن «بیاض رنگین» است که به سال ۱۱۴۳ هجری منسوب می‌گردد.

حیدرآباد موجود است. این بیاض، تذکره‌ید بیضا (سال تألیف: ۱۱۴۸ ه) مشتمل بر اشعاری است که در بین سال‌های ۱۱۵۶ هجری سروده شده بود. این در ید بیضا در آخر نسخه شماره ۵۴۶ نیز ذکر شده است که در سالار جنگ موجود است.^۲

۲- یک بیاض دیگری آزاد در موزه ملی پاکستان، کراچی موجود است که شماره آن N.M.1961-1239 است به خط نستعلیق چلیپا است و مشتمل بر ۷۲ صفحه می‌باشد. یادداشت محمد یوسف بلگرامی (۱۱۷۲-۱۱۱۶ ه) که پسر خاله و دوست اوست، نیز در آن موجود است، وی می‌نویسد:

«این تحفه نفیس که برادر شفیق حضرت میر غلام آزاد بلگرامی به بنده فرستادند، خیلی خوشوقت شدم. خدا سلامت دارد. محمد یوسف بلگرامی، چهاردهم شعبان المعظم سنه ثمان و خمسين و مائة بعد الف».

از این یادداشت معلوم می‌گردد که این بیاض را خود آزاد برای میر محمد یوسف

۱. فیروزالدین لاهور، فیروزاللغات (سنگی)، لاهور، ص ۲۵.

۲. فهرست مخطوطات فارسی سالار جنگ، حیدرآباد، ج ۲، ص ۱۵۵.

فرستاده بود. در این بیاض کلام شعرای هند و ایران درج است. در آغاز بیاض فهرست این شعرا نیز درج شده است. آغاز:

تا به طبع تو بود با او بزن بر سنگ سیم و بر بدل گردد مزاجش هست او زر عیار^۱

۳- یک بیاض آزاد در کتابخانه ندوةالعلماء لکهنو موجود است که شماره ۱۴۰، خط نستعلیق، کاتب سید جلیل احمد سهسوانی مورخ ۱۲۹۸ هجری، تعداد صفحات ۳۲۱ می‌باشد. در آغاز بیاض فهرست شعرا نیز درج شده، نام بیاض، بیاض آزاد است. کاتب سید جلیل احمد سهسوانی به فرمایش سید محمد صدیق حسن خان از بیاض مذکور این بیاض را تدوین کرد که به خط خود آزاد و نزد نواب صدیق حسن خان بود بیاض آزاد که به خط خود آزاد می‌باشد این حقیقت از بیان سید انورالحسن فرزند نواب و در مصنف تذکره نگارستان سخن زمانی آشکار می‌گردد که وی در تألیف تذکره‌ای خویش از این بیاض به طور مآخذ استفاده می‌کند و این را ذکر می‌کند، وی می‌نویسد در تألیف این تذکره «از بیاض دستخط خاص میر آزاد»^۲ استفاده شده است سید جلیل سهسوانی کتابت بیاض مذکور را در ماه ذی‌قعدة ۱۲۹۷ هجری آغاز کرده و در ماه ذی‌الحجة ۱۲۹۸ هجری به پایان رسانید این بیاض از فیضی دکنی شروع شده و به میر جلال اسیر ختم می‌گردد. آغاز:

منم فیضی که در میدان معنی چو من چابک سوار تیز و تگ نیست
در جستجوی گوهر ذاتت فگنده چرخ از روز و شب به قلم حیرت سفینه‌ها

انجام: همان‌طور که بیان شد که آزاد بلگرامی یک تذکره‌نویس بود و وی در تألیف تذکره دوم خود (در تألیف ۱۱۶۶ ه) از این بیاض استفاده کرده است. در این بیاض شعر ۲۷۷ شاعر، مشتمل بر ۳۵۰۰ شعر و رباعی نقل گردیده است.

با مقایسه این بیاض با سرو آزاد، معلوم می‌شود که اکثر اشعار در سرو آزاد درج شده که در این بیاض نیز موجود می‌باشد. البته در این بیاض فقط کلام شعرا موجود است، ولی شرحی بر آن نوشته نشده است.

۱. عارف نوشاهی، دکتر سید: فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، ص ۱۳۰.

۲. نور قنجی، سید نورالحسن خان: نگارستان سخن، مطبع شاهجهانی، بهیال، ۱۲۹۳/۱۸۷۶ ه، ص ۱۶۱.

صفحه ۱۱۹ بلافاصله بعد از ۱۱۶ آمده است، کاتب نسخه در آغاز صفحه ۱۱۶ ذکر کرده است که اکثر اوراق این بیاض جابه‌جا شده‌اند. و در صفحه ۱۱۶ مثنوی امواج‌الخیال در وصف بلگرام از میر عبدالجلیل بلگرامی نقل گردیده که ناتمام می‌باشد. آزاد بلگرامی در سرو آزاد یک بحث جداگانه در موضوع سرقه و توارد گنجانده است و اشعار صائب، غنی کشمیری، سلیم تهرانی و نوعی خوششانی را به‌طور مثال ذکر کرده است. در این بیاض مثال‌هایی که از ۲۷ تا ۳۶ صفحه موجود است در بیاض مذکور به‌عنوان «لا ادری» دو شعر شاعر نامعلوم را نیز نقل کرده است.

از صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۹ به‌عنوان «اقوال ملأ دو پیازه» اقوال آن به‌نثر فارسی درج کرده، مجموعاً در این بیاض بیش از ۳۵۰۰ شعر و ۵۲ رباعی شعرای مختلف درج شده است. یکی از ویژگی‌های برجسته این بیاض که به‌اهمیت آن می‌افزاید، این است که در این بیاض ذکر اسم و کلام چند شاعر درج گردیده که در دیگر تذکره‌ها ذکر این شعرا نیست و شاید اولین بار است که اسم آنها در این‌جا می‌آید. یعنی بعضی از شعرا پیش از این معرفی نشده‌اند. ترتیب و تدوین این بیاض ضخیم که مشتمل بر کلام شعرای فارسی زبان هند و ایران می‌باشد، یک کارنامه علمی دیگری از آزاد بلگرامی است که از آن اهل علم و ادب همیشه مستفید خواهند شد.

مهم‌ترین بیاض میر غلام علی آزاد بلگرامی در کتابخانه ملی پتنا موجود است. نام تاریخی آن «بیاض رنگین» است که به‌سال ۱۱۴۳ هجری منسوب می‌گردد. به‌خاطر اهمیت این بیاض همین‌قدر گفتن کافی است که این بیاض به‌خط آزاد بلگرامی است. شماره بیاض ۳۴۱۳ می‌باشد. در صفحه اول یک تحریر که مشتمل بر ۵ سطر است و از آن معلوم می‌شود که آزاد بلگرامی زمانی که قصد حج بیت الله کرد، این بیاض را به‌پسر خاله خویش، میر محمد یوسف بلگرامی (۱۱۷۲-۱۱۱۶ ه) سپرده بود. در آخر بیاض یک مهر بیضوی نیز ثبت گردیده که سجع «میر غلام علی» است نوشته آزاد در زیر آمده است:

”چون فقیر حقیر، آواره دشت گمنامی، سید غلام علی حسینی واسطی بلگرامی
به‌تاریخ سیوم شهر رجب‌المرجب روز دوشنبه سنهٔ خمسین و مائة و الف از
بلگرام احرام بیت الله بست این بیاض را که در عرصهٔ یک هفته کم و بیش

مبوّب کرده، انگار بیاضی دیگر ساخته بودم و الحال ترتیب بیاضی دیگر به سبب ضیق وقت، به وقت دیگر افتاده به برادر بلگرامی مهربان فضائل پناه میر یوسف سلمه الله هبه نمودم و الحمدلله اولاً و آخراً. آزاد برای ترتیب این بیاض یک قطعه تاریخی سرود. و آن این است:

چیدیم ز بوستان اشعار متین بس لاله و گل‌های نزاکت آگین
گلدسته ساختیم در غایت لطف تاریخ نوشتیم، «بیاض رنگین»
(۱۱۴۳ هجری)

در بیاض این عبارت هم موجود است لجامه و کاتبه سید غلام علی حسینی واسطی بلگرامی، دو صفحه اول آزاد یک رباعی سروده است که در آن پدر بزرگ و استاد خویش میر عبدالجلیل بلگرامی واسطی بلگرامی (م: ۱۱۳۸ ه) را ذکر کرده است. قبل از رباعی عبارت ذیل به رنگ قرمز روشن نوشته شده:

لجدی و استادی میر عبدالجلیل واسطی بلگرامی قدس سره:
این نسخه کز و کسب هنر باید کرد تحریر خطش به آب زر باید کرد
شیرازهاش از رشته جان باید بست جلدش همه از لخت جگر باید کرد
تعداد اوراق این بیاض در عبارت نوشته گردیده:
"اوراق این بیاض یک صد و شصت و یک موجوداند."

این بیاض در نوع خود منفرد نامیده می‌شود، زیرا در این بیاض آزاد مطالب بسیاری را به عربی و فارسی نوشته (تعداد آن کم است) تحت عناوین مختلف اشعار شعرای مختلف ایرانی و شعرای فارسی زبان هندوستانی را یکجا جمع کرده است که حقیقتاً کاری پر زحمت بود. تفصیل آن به دنبال می‌آید.

آزاد بلگرامی یادداشت‌های دیگری را نیز در بیاض مذکور به رشته تحریر درآورده است که از جمله آن‌ها در تذکره خویش دو یادداشت متعلق به ید بیضا قابل ذکراند که شرح آن چنین است:

۱- به تاریخ هشتم شهر ربیع‌الاول روز سنه ۱۱۴۹ هجری شروع در تحریر نسخه ثانی تذکره ید بیضا نموده شد، ربّ یسر و تمم بالخیر.

۲- به تاریخ هشتم جمادی‌الاولی روز پنجشنبه ۱۱۴۹ هجری از ترتیب و تهذیب و ترقیم نسخهٔ ثانی تذکرهٔ ید بیضا فراغ دست داد فالحمدلله علی احسانه و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و جمیع احبائه.

واضح باشد که آزاد بلگرامی زمانی که به سیوستان در سال ۱۱۴۳ هجری (سند) می‌رفت، قصد کرد که ید بیضا بنویسد که در آنجا دایی وی میر سید محمد متخلص به‌شاعر بلگرامی (۱۱۸۵-۱۱۰۱ هـ) به‌کار وقایع‌نگاری مشغول بود. و او می‌خواست که آزاد را به‌جای خودش بگمارد و خود به‌بلگرام بیاید. آزاد در سیوستان در سال ۱۱۴۵ هجری به‌اعتبار حروف تهجی این تذکره را تألیف کرد. در این کار مدت یک سال صرف کرد، آزاد بلگرامی چنین می‌نویسد:

”راقم این کلمات... را اکثر احوال در آیینۀ خیال منطبع می‌شد که مجموعه‌ای آراسته شود متضمن اخبار و اشعار شعرای حال و قدمای قال^۱ تا در سنهٔ ثلث و اربعین و مائه و الف (۱۱۴۳) هجری عزیمت بنده از بلاد هند به‌دیار سند به‌محروسه سیوستان... اتفاق افتاد. آن تمنای خفته بیدار گردید... سامان تدوین از کتب و دواوین متقدمین و متأخرین که در کتب خانۀ وطن به‌همهٔ جهت همراه بود. از این راه شاهد مقصود بر طبق خواهش جلوه نمی‌نمود. اما بر هر کیفیت عطلت وقت داعی شد که به‌قدر امکان طرح این کار باید انداخت و مائدهٔ محاضر مهیا باید ساخت. گر نویسی قلمی می‌تراش پس در اواسط سنهٔ خمس و اربعین و مائه و الف (۱۱۴۵) عنان همّت تافتم، قرب یک سال کار کردم و لمعهٔ نوری از تجلی‌گاه سخن به‌دست آوردم.“

نگارش اوّل تذکره ۵۳۳ شاعر را شامل کرده بود که آغاز آن با فضل‌الدین محمد کاشانی و اختتام آن با میر محمد اشرف می‌باشد، اما مؤلف بعد از برگشت به‌وطن خویش دوباره آن را ویراستاری کرد و نسخهٔ اوّل را منسوخ کرد، در سال ۱۱۴۸ هجری یک نسخه دیگر را بعد از تجدید نظر و اضافات تدوین کرد، دوباره آزاد چنین می‌نویسد:

۱. اما در ذکر میر عبدالجلیل چنین نوشته است که بر مطالعه کنندگان این طور مخفی مستور نماند که علت غایی تسویه این کتاب (ید بیضا) ذکر آن جناب تقدس مآب است ید بیضا (قلمی) مخزونه کتابخانهٔ خدابخش پتنا.

ید بیضا تألیف فقیر در احوال شعرای سلف و خلف اوّل این کتاب را در سیوستان ملک تألیف کردم و نسخه آن سایر و دایر شد. و بعد معاودت از بلاد سند به دیار هند آن نسخه را منسوخ ساخته. نسخه دیگر را در سنه ثمان و اربعین و مائه و الف (۱۱۴۸) نوشتم و این مصراع تاریخ یافتم:

«طبع کلیمم ید بیضا نمود»^۱

در نگارش دوم، مؤلف تعداد شعرا را به ۱۳۵۹ شاعر افزایش داد و کتاب را با ابوالحسن شهید بلخی آغاز نمود، درحالی که احوال شعرای اله آباد را در وسط آن در سال ۱۱۴۷ هجری اضافه نمود. به استناد ید بیضا این سخن هم قابل ذکر است که بعد از تألیف این تذکره دو سال پس از آن یعنی در سال ۱۱۵۰ هجری آزاد به قصد حج به حجاز می رود و بعد از برگشت از آنجا در اورنگ آباد دکن ساکن می شود، در این وقت میر محمد یوسف آنها را مطلع ساخت که در زمان غیبت شما شخصی در بنارس ید بیضا را به خود منسوب ساخته. چندین نسخه آن را آماده کرده و به آنجا و اینجا می فرستد. آزاد از این خبر ناراحت می شود و چنین می نویسد:

”عجب تر آن که آنچه از نقول و حکایات فقیر از غرایب مصنفات و عجایب مؤلفات نقل می کند مجموعه را به خود نسبت داده، گویا آن همه احوال به چشم خود سیر کرده، تذکره را انتخاب نموده باشد حال آن که چشم بی نورش از آن مصنفات خبر ندارد.“

آزاد فقط به این اکتفا نکرد، بلکه درباره آن یک قطعه سرود که در آن این سخن به طریقه های مختلف گفته شده است:

بی شعوری از بنارس کرد فکر نارسی	خواست تا در دست گیرد شعله جواله ای
برد تصنیف من و شهرت به نام خویش کرد	از بهارم کرد غارت این ستمگر لاله ای
خواند و از برکرد تورات و کلیم الله را	گفت من صاحب کتابم طوطی بنگاله ای

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ ه): خزانه عامره، ص ۷ و سرو آزاد، ص ۱ - قطعه مکمل تاریخ از این است:

این چه سوادی ست که در حرف او
لمعه اعجاز سخن و نمود
مصراع تاریخ چنین شد رقم
طبع کلیمم ید بیضا نمود

سامری بایستی و دعوا ید بیضا کنی رو که در دست تو می‌زیید دم گوساله‌ای
 گرچه خود را گوهر اصلی نماید در نظر آب گردد عاقبت از آفتابم ژاله‌ای^۱
 در برگ ۱۵۵ ب «بیاض رنگین» علاوه بر آزاد بلگرامی یادداشتی از میر محمد
 یوسف بلگرامی نیز وجود دارد که در آن میر محمد یوسف تاریخ وفات پدر خویش،
 میر محمد اشرف را نوشته و قطعه تاریخ وفات آزاد بلگرامی نیز در آن درج است. این
 یادداشت از سال ۱۱۵۹ هجری می‌باشد که در آخر آن عبارت «کتبه محمد یوسف بن
 سید محمد اشرف ۱۱۵۹ هـ» به نظر می‌رسد در همین برگ دو قطعه تاریخ وفات نیز
 درج کرده است. یکی متعلق به میر یحیی کاشی و دیگری از وفات قیدی می‌باشد. دو
 شعر که درباره مرگ قیدی می‌باشند، توسط عظیم‌سرو شده است. اما قطعه تاریخ که
 درباره مرگ میر یحیی کاشی گفته شاعر آن معلوم نیست اشعاری که درباره مرگ قیدی
 سروده شده است، این‌طور هستند:

۱. از خامه کاتبان بالا در دفتر جذر و مد دریا
 ۲. شد سال وفات او کتابت «قیدی گهر محیط رحمت» (۱۰۶۶ هـ).
- قطعه تاریخ وفات میر یحیی کاشی نیز چنین است:
۳. یحیی که گل حدیقه کاشان بود در فن سخن یگانه دوران بود
- تاریخ وفاتش ز خرد می‌جستم گفتا، بگو «سید خوش دیوان بود» (۱۰۶۴ هـ)
- آزاد در سرو آزاد تاریخ وفات میر یحیی کاشی را ۱۱ محرم ۱۰۶۴ هجری نوشته
 است. در برگ ۱۵۸، آزاد ذکر یک معاهده یا وعده که مابین خود آزاد و میان محمد
 ناصر فرزند شاه خوب الله در اله‌آباد منعقد شده بود را ذکر کرده که بسیار جالب
 می‌باشد. آن‌ها چنین نوشته‌اند:

روز یکشنبه ۵ صفر ۱۱۴۸ هجری شهر اله‌آباد میان محمد ناصر خلیف شاه
 خوب الله از راه شوخی از من یک عهد گرفت که اگر من قبل از شما فوت
 کردم شما مرثیه من را خواهید سرود، اگر معامله برعکس آن گردد من این

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): دیوان آزاد بلگرامی (خطی)، کتابخانه گنج بخش، اسلام‌آباد،
 ص ۳۱۰؛ کلیات آزاد بلگرامی (خطی)، کتابخانه مجلس، تهران، ورق ۲۵۰.

خدمات را بجا خواهم آورد، من هم این عهد را قبول کردم. اصل عبارت آزاد بلگرامی چنین است:

”به تاریخ پنجم صفر ختم الله بالخیر و الظفر روز یکشنبه سنه هزار و یکصد و چهل و هشت هجری در بلده اله آباد مجمع الکلمات میان محمد ناصر خلف رشید، عرفان آگاه، شاه خوب الله با بنده سید غلام علی از راه خوش طبعی قرار کردند که اگر من پیش از شما حیات مستعار را وداع کنم شما مرثیه من به نظم آرید و اگر قضیه بالعکس رونماید من این کار را بجا آرم، بنده هم این عهد را با رشته جام محکم بسته «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ»^۱.”

در برگ ۱۵ الف این بیاض آزاد شرح مختصری درباره شیخ کمال متخلص به «افسری» و اشعار او را نقل کرده است. این اشعار را او به خط شیخ خوب الله دریافت کرده بود که به صراحت آن را چنین به رشته تحریر درآورده است.

شیخ کمال الدین افسری رحمه الله علیه از خلفای حضرت قطب الاولیا میر سید محمد ساکن کالپی است. در فقر و درویشی، صاحب خطی کامل و نصیبی شامل بوده و به اطاعت و عبادت و ارشاد اهل ارادت اشتغال داشته و در دهلی به سر می برده و به همان جا وفات یافته، فاضل کامل و شاعر ماهر بوده و زبانی فصیح و کلامی ملیح داشته، عالمگیر پادشاه آوازه شاعری او شنید و تکلیف شاهنامه نویسی کرد و معین فرمود که این قدر اشعار هر روز نظم کنند، وی قبول نکرد و گفت که به حساب معین بعد هر هفته می گرفته باشند، وفات او در دهلی اتفاق افتاده و من اشعار رحمه الله:

کار نظر از قامت او بس که بلند است گر بر شجر طور قند، دیر پسند است
با بلبل و گل رنگ جنون سابقه ای داشت کاین بیهده گو آمده آن بیهده خند است

منه:

تو می آری من از خود می روم آتش عنان تر شو

که زنجیری نهی بر پایم از زلف پریشانست

۱. لقمان (۳۱)، آیه ۳۴.

منه:

چون کار جهان کرده و ناکرده خراب است
بیکاری ما نیز توان گفت که کاریست

منه:

هلاک کوشش آن نیم قطره خونم که ره بدست تو برد و بر آستین بنشست

منه:

دمی کز خواب مستی عزم شبگیر فنا کردم
چراغ راه من شد چون شرر چشمی که وا کردم

منه:

چو ماه نو بلند افتاده است انداز آغوشم مگر خواهد نشستن آفتابی در کنار من

منه:

شوخ من طفل است دارد زان سبب رنگ ستم

گل به عهد غنچگی در صورت پیکان بود

این قدر اشعار آبدار منجمله کلام شیخ کمال افسری^۱ که به خط عرفان پناه شیخ
خوب الله اله آبادی قدس سره یافته شد. احقر العباد سید غلام علی آزاد انتخاب نمود
به تاریخ نهم شهر ربیع‌الاول سنه ۱۱۵۰ هجری قلمی شد.
در برگ ۱۵ ب سه شعر از یک غزل میر احمد فایق لاهوری نقل گردیده و
می‌نویسد که این به خط شاعر دریافت گردیده بود:

در این محیط که نقشی بر آب می‌بافند ز موج پرده چشم حباب می‌بافند

درون پرده رخ یار را عیان بینم مگر ز تار نگاهم نقاب می‌بافند

علاج غفلت ذاتی نمی‌توان کردن گلیم بخت سیه را به خواب می‌بافند

همان‌طور که گفته شد وصف امتیازی این بیاض آزاد بلگرامی این است که وی
درباره موضوعات گوناگون، اشعار خویش و اشعار شعرای فارسی‌سرای دیگر را جمع

۱. با حالات افسری رجوع نماید، علی حزین: صبح گلشن، ص ۲۹-۳۰، سفینه خوشگو، صحف ابراهیم؛ آقا
بزرگ طهرانی: الذریعة الی تصانیف الشیعة، افسری مصنف مثنوی «روح و ریحان» هم است.

کرده، اول به ذکر عنوان پرداخته، بعداً درباره آن عنوان اشعار موجود را به رشته تحریر درآورد. از این رو این بیاض بسیار حایز اهمیّت می باشد.
به عنوان مثال موضوعاتی متعدّد در این بیاض آورده شده، از جمله:

وصف سخن

تحت این موضوع اشعار امیر خسرو، صائب، بی خبر بلگرامی، کمال الدین غیاث، فارس افضلی اله آبادی، نسبت فارسی و ناصر علی سرهندی نوشته شده، در اینجا شعر کمال الدین را نقل می کنم که بهترین مثال برای سهل ممتنع هم هست:

تحفه حضرت خدا سخن است محرّم راز انبیا سخن است
اول و آخر و وجود و عدم ز ابتدا تا به انتها سخن است
جبرئیلی که از خدا و رسول خبری می دهد به ما سخن است
گر تو بیگانه ای از این معنی آشنا شو که آشنا سخن است
کیمیای سخن به دست آور
خاک زر کن که کیمیا سخن است

نسبت فارسی

جان عزیز است و لیکن به سخن جان نرسد وای بر جان سخنی که به سخندان نرسد
در سخن پنهان شدم مانند بو در برگ گل میل دیدن هر که دارد در سخن بیند مرا

به نام حکیم حاذق درج شده است:

در موضوعات دیگر فصاحت، تهذیب الکلام بالتفکر، قدر سخن، ستایش، شعر فهمی، دخل بجا و بی جا، ذم شاعر ناهم، ذم شاعر خام، سخن مطبوع از هر که باشد مقبول است، ذم آزدن اهل سخن، سخن بی محرک رونمی دهد، مضامین وقوعی، ذم سرقه شعری قدم از اندازه بیرون گذاشتن، عجز تدبیر از تقدیر، مدح علم و عالم، بی اختیاری، ذم جابل، ذم کج بحث، در زیر قبا از آل عبا بودن، جمع مذهب و مشرب، الرزق مقدر، یآوری طالع به سعی دست نمی دهد، وصف پیر، عبرت، ذم پیری، خضاب، ذم طول امل، ذم عیب جوی، قیمت هنر از خریدار، دین و دنیا جمع نمی شود، فی الحركة برکه، مخالفت عشق و عقل، اتحاد حسن و عشق و آن که گرمی بازار حسن از خریداری

عشق است، بی‌قراری عشق در وصال و فراق مساوی است، عشق و درد و محنت، ذم بوالهوس.

در باره موضوعات دیگر آزاد اشعار بسیاری گردآوری کرده است. بنابراین ما این را به فرهنگ اطلاعات نیز تعبیر کرده‌ایم که برای علاقه‌مندان شعر و ادب بسیار مفید خواهد بود.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): خزانه عامره (تألیف: ۱۱۷۶ هـ/ ۶۳-۱۷۶۲ م)، مطبع نولکشور، کانپور، چاپ دوم ۱۹۵۵ م.
۲. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): دیوان آزاد بلگرامی (خطی)، کتابخانه گنج بخش، اسلام‌آباد.
۳. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): سرو آزاد (تألیف: ۱۱۶۶ هـ)، مطبع رفاه عام، لاهور، ۱۹۱۳ م.
۴. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): کلیات آزاد بلگرامی (خطی)، کتابخانه مجلس، تهران.
۵. خوشگوی دهلوی، بندر ابن داس: سفینه خوشگو، مؤسسه تحقیقات عربی و فارسی، پتنا، ۱۳۷۸ هجری.
۶. عارف نوشاهی، دکتر سید: فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۴۰۴ هـ/ ۱۹۸۳ م.
۷. فهرست مخطوطات فارسی سالار جنگ، حیدرآباد، ج ۲.
۸. فیروزالدین لاهور، فیروزاللغات (سنگی)، لاهور.
۹. نور قنّجی، سید نورالحسن خان: نگارستان سخن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۳ هـ/ ۱۸۷۶ م.